

آسیب‌شناسی چالش‌ها و مشکلات دختران در جوامع روستایی (مورد مطالعه: دهستان ماهیدشت شهرستان کرمانشاه)

فرحناز رستمی^۱، ماریه صحرائی^{۲*}، طاهره ملکی^۳، فاطمه ساسانی^۴، مهنا شاهرادی^۵

چکیده

توسعه منابع انسانی عامل کلیدی و پیش شرط لازم برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی به‌شمار می‌رود. در این بین توجه به زنان و دختران روستایی، به‌منزله نیمی از منابع انسانی بالقوه فعال جوامع روستایی، بر کسی پوشیده نیست. از این رو، به‌منظور تحقق رشد و توسعه بلندمدت در این جوامع، پرداختن به مسائل و مشکلات آنان ضرورتی انکارناپذیر است. بنابراین، این پژوهش با هدف آسیب‌شناسی چالش‌ها و مشکلات دختران در جوامع روستایی انجام گرفت. جامعه مطالعه‌شده در این پژوهش را دختران دهستان ماهیدشت شهرستان کرمانشاه (N=۳۶۰۰) تشکیل دادند. سپس، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، ۱۳۲ نفر از آنان برای نمونه تحقیق انتخاب و به‌صورت انتساب متناسب این تعداد نمونه در میان ۱۰ روستای این دهستان توزیع شدند. ضریب پایایی تحقیق نیز با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷ به‌دست آمد. طبق نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل عاملی، پنج عامل آسیب‌های روانی، فقر آموزشی-رفاهی، آسیب‌های اجتماعی، فقر اقتصادی-بهداشتی، و چالش‌های فراروی ازدواج، ۶۵/۵۳ درصد مشکلات دختران روستایی را به‌خود اختصاص داده‌اند.

کلیدواژگان

آسیب‌شناسی، تحلیل عاملی، دختران روستایی، دهستان ماهیدشت.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی کرمانشاه

r304@yahoo.com

mariyeh.sahraie@yahoo.com

golnarjes_313@yahoo.com

fateme.sasani@yahoo.com

shahmorade4468@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه

۳. دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی دانشگاه تبریز

۴. کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه

۵. دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی دانشگاه رازی کرمانشاه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۶

مقدمه

وضعیت زنان هر جامعه بیانگر میزان پیشرفت آن جامعه است و اعتلای کشورها مستلزم استفاده هدفمند از همه نیروها و استعداد‌های انسانی- از جمله زنان- است. در این میان، زنان روستایی، به منزله نیمی از جمعیت روستایی، نقش بارزی در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دارند. در ضمن، رسیدن به توسعه پایدار روستایی توجه بیشتر به زنان را، که همپای مردان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی مشارکتی فعالانه دارند، می‌طلبد [۱۸]. زنان روستایی حدود ۱۲ میلیون نفر از جمعیت ۲۳ میلیونی روستاهای کشور را تشکیل می‌دهند، اما آن‌گونه که باید و شاید به وضعیت آنان توجه نشده است و زنان در حاشیه قرار گرفته‌اند. از منظر بررسی فقر در میان اقشار مختلف نیز، وضعیت زنان روستایی به مراتب بدتر از سایر گروه‌هاست و در حال حاضر نرخ رشد جمعیت زنان فقیر بیش از مردان فقیر است [۲۵]^۱ و تعداد زنان زیر خط فقر در جهان، به‌ویژه در جوامع روستایی، رو به افزایش است [۲۴]. به‌علاوه، در طول چند دهه گذشته، مواهب و دستاوردهای توسعه در جامعه روستایی بیشتر نصیب مردان شده و در کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه، زنان بیش از مردان از پیامدهای منفی توسعه و تغییرات اجتماعی آسیب دیده‌اند [۱۷]. در این میان، آسیب‌پذیری دختران روستایی بیشتر است و برنامه‌ریزی‌های توسعه و نوسازی، با وجود دستاوردهای بسیار، نتوانسته‌اند بهبود پایداری در شرایط دختران روستایی پدید آورند و به رفع محرومیت آن‌ها از بسیاری حقوق و خدماتی، که در نقاط شهری برای دختران وجود دارد، کمک کنند. بدیهی است، در چنین شرایطی، عملاً توانمندسازی زنان و دختران روستایی با مسائل و مشکلات متعدد روبه‌رو است. بنابراین، صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی^۲، در سال ۲۰۱۲، تمرکز خود را بر دختران روستایی قرار داد [۲۰]. در ایران نیز، بخش درخور توجهی از جمعیت روستایی را دختران روستایی تشکیل می‌دهند. با توجه به اینکه نیمی از جمعیت روستاهای زن‌اند [۲۵]، ضرورت توجه به مسائل و مشکلات در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای و تحقیقات مرتبط با علوم کشاورزی و اجتماعی، احساس می‌شود. اما، متأسفانه تاکنون در کشور ما توجه اندکی به مسائل این قشر مهم و تأثیرگذار در اجتماع صورت گرفته است و آنان در روند توسعه و مطالعات مرتبط با این حوزه، تا حدود زیادی به دست فراموشی سپرده شده‌اند. در چنین شرایطی، باید یادآور شد که فراموش کردن و نادیده گرفتن مشکلات این قشر عظیم، به بدتر شدن شرایط زندگی این دختران، عدم استفاده از پتانسیل‌های آنان، و درنهایت، ناپایداری رشد و توسعه منجر خواهد شد. بنابراین، با توجه به ضرورت موجود، تحقیق حاضر با هدف آسیب‌شناسی چالش‌ها و مشکلات دختران در جوامع روستایی دهستان ماهیدشت شهرستان کرمانشاه انجام شده است.

1. United Nation Development Program (UNDP)
2. International Fund for Agricultural Development (IFAD)

نتایج این پژوهش به برنامه‌ریزان توسعه روستایی کشور کمک می‌کند با در نظر گرفتن مشکلات دختران روستایی، گامی مؤثر در جهت رفع این مشکلات و اعتلای وضعیت معیشت و زندگی این نسل آینده‌ساز جوامع روستایی بردارند.

پیشینه نظری و تجربی

الزام مشارکت اقتصادی- اجتماعی مولد، آگاهانه، و داوطلبانه زنان در برنامه‌های توسعه در تاریخ تکامل و پیشرفت جوامع بشری همیشه مطرح بوده است [۴]، اما تا قبل از دهه ۱۹۶۰ نقش زنان در توسعه چندان لحاظ نمی‌شد و در دستیابی به شاخص‌های توسعه، زنان اغلب از محدودیت بیشتری رنج می‌بردند. از سال ۱۹۷۰، توجهات جهانی و پروژه‌های تحقیقاتی به سمت زنان جلب شد [۱]. در اوایل دهه ۱۹۷۰، به منظور بهبود وضعیت آموزش، فرصت‌های اشتغال، مشارکت سیاسی، و رفاه اجتماعی و فردی زنان و از طرف دیگر توجه جامعه جهانی به محدودیت‌های زنان از نظر فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی، «دیدگاه زنان در توسعه» مطرح شد [۱۶]. اعلام سال ۱۹۷۵ به‌منزله سال جهانی زن و همچنین کنفرانس جهانی «اصلاحات کشاورزی و توسعه روستایی» در سال (۱۹۷۹) توجه جهانیان را به نقش انکارناپذیر زن در فرایند توسعه جلب کرد. از آنجا که در دیدگاه‌های قبلی به ساختارهای جنسیتی موجود توجه چندانی نمی‌شد و فقط بر فناوری و همکاری زنان در طرح‌های معمول و در دست اجرا تأکید می‌شد، این مسئله باعث پدیدارشدن دیدگاه «جنسیت و توسعه» در سال ۱۹۸۰ شد که بیانگر رویکرد فمینیستی- سوسیالیستی است که ارتباط میان ساختارهای خانواده و ساختارهای عمومی را بررسی می‌کند تا علت تمایزهای میان این دو ساختار را در مورد زنان کشف کند [۱۶]. در این سال‌ها، توجه به ابعادی مانند برابری در پایگاه قانونی، دسترسی به منابع روستایی و خدمات، فرصت مساوی در آموزش و اشتغال، گردآوری اطلاعات در مورد زنان روستایی، و حمایت از تشکلهای و در پی آن اعلام «دهه زن» از سوی سازمان ملل، انگیزه‌های لازم را در سازمان‌های بین‌المللی برای رفع تبعیض از زنان به‌وجود آورد [۹]. از آن زمان تاکنون، رهیافت‌های متفاوتی برای طرح مسئله نقش زنان در توسعه در مقاطع تاریخی گوناگون بیان شده است. یکی از نظریه‌های متداولی که در مواجهه با تداوم فقر و تبعیض جنسیتی علیه زنان مطرح شده است، نظریه توانمندسازی^۱ است. نظریه توانمندسازی بر این نکته تأکید دارد که زنان نه تنها باید نابرابری‌های موجود، بلکه ساختارهای مولد نابرابری را در سطوح گوناگون و هم‌زمان زیر سؤال ببرند و با آن مبارزه کنند. این نظریه، که ترکیبی از نظریه رفاه، برابری، و فقرزدایی است، تلاش می‌کند با تواناسازی زنان از طریق ترویج فکرهای نو، آموزش‌های مهارتی

1. empowerment theory

برای فعالیت در بخش‌های اقتصادی، ارتقای آگاهی همه اعضای جامعه از نقش‌های زنان، و بهبود سطح رفاه آن‌ها پایه‌های استواری برای اقدامات بعدی در تأمین نیازهای راهبردی و حذف نابرابری‌ها در همه عرصه‌ها فراهم کند [۱۰]. این نظریه ۵ مرحله را برای توانمندسازی مشخص کرده است که عبارت است از:

۱. رفاه: در این مرحله از توانمندسازی، رفع تبعیض بین زنان و مردان و امکانات رفاهی و اولیه و کمبودهایی که در این زمینه مد نظر قرار می‌گیرد. مانند: تأمین آموزش، بهداشت، تغذیه و درآمد و...؛

۲. دسترسی: منظور از این مرحله، دسترسی به منابع و تسهیلات برای بهبود وضعیت زندگی است؛ مانند دسترسی به اعتبارات، دسترسی به عوامل تولید، کارهای مولد درآمد، خدمات و...؛

۳. آگاهی‌سازی: مرحله‌ای است که زنان به مشکلات و به دلایل بروز آن حساس می‌شوند. در مرحله آگاهی، زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آن‌ها ناشی از کمبودهای شخصی‌شان نیست، بلکه نشئت گرفته از نقش‌های جنسیتی مربوط به فرهنگ است و به همین دلیل قابل تغییر است؛

۴. مشارکت: مرحله‌ای است که زمینه حضور فعال برای زنان فراهم شده و آمادگی برای مشارکت داوطلبانه وجود دارد. در این مرحله، زنان در همه برنامه‌های مربوط به خود شرکت می‌کنند و مشارکت آن‌ها باید با شمار آن‌ها در جامعه متناسب باشد؛

۵. کنترل: مرحله‌ای که زنان قدرت تصمیم‌گیری پیدا می‌کنند و علاوه بر اینکه درباره مشکل فکر می‌کنند، بهترین راه حل را پیشنهاد می‌کنند و بر اجرای راه حل تسلط می‌یابند [۱۰؛ ۱۶].

همچنین، در سال‌های گذشته، ماهیت نسبی محرومیت اجتماعی زنان روستایی، که حاصل شرایط مختلف تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، و سیاسی است، موجب شده محرومیت اجتماعی آنان از جنبه‌های مختلف مورد توجه قرار گیرد. در دوره اول این رویکرد، که بیشتر از رهیافت‌های رفاه‌گرا متأثر بود، تأکید عمده بر ابعاد رفاه مادی و سطح زندگی، موقعیت و پایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان بود، اما در دوره جدید، بررسی فضای مفهومی محرومیت اجتماعی با توجه به مفهوم طرد اجتماعی^۱ مورد توجه قرار گرفته است [۱۲؛ ۲۱]. این مفهوم، به صورت مناسب‌تری، خصلت چندبعدی سازوکارهایی را آشکار می‌کند که به موجب آن، افراد و گروه‌ها از مبادلات اجتماعی، فعالیت‌ها، و حقوق سازنده همبستگی و هویت اجتماعی دور می‌مانند و عموماً از طریق تأکید بر مخاطرات حاصل از شکاف‌های موجود در بافت اجتماعی، اموری فراتر از نابرابری اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد [۱۴؛ ۱۵؛ ۲۲].

این مسئله می‌تواند برای هر فردی اتفاق بیفتد، اما برخی افراد در مقایسه با دیگران به میزان بسیار بیشتری در معرض آن قرار دارند. عوامل مخاطره‌آمیز اصلی که افراد را در معرض طرد اجتماعی قرار می‌دهد، عبارت است از: درآمد کم، تضاد خانوادگی، مشکلاتی در مدرسه، تعلق به اقلیت قومی خاصی، زندگی در محله‌های محروم شهر و نواحی روستایی و مشکلاتی به لحاظ سلامت روان، سن و معلولیت [۲۳]. افرادی با پیشینه خاص در این میان گروه جمعیتی متشکل از دختران مجرد در برخی نواحی روستایی گروهی هستند که به میزان بسیار بیشتری از طرد اجتماعی آسیب می‌بینند. این گروه از دختران به دلیل بافت ویژه روستایی و ارزش‌ها و عقاید مرتبط با این جوامع، محدودیت و ضعف شبکه اجتماعی، عدم دسترسی به تسهیلات فراغتی و تفریحی، و... با طیف وسیعی از عواملی مواجه‌اند که آنان را از داشتن فرصت‌هایی که پیش روی اکثر جمعیت است باز می‌دارد و می‌تواند به فقر، ضعف دانش و مهارت، و عدم مشارکت آنان در زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی خود منجر شود [۲۲]. گرچه سال‌های گذشته، با توجه به دیدگاه‌های موجود در زمینه زنان و توسعه، بهبود جایگاه اجتماعی و اقتصادی زنان و ارتقای شاخص‌های آن‌ها در فرایند توسعه روستایی مورد توجه قرار گرفته است، نتایج مطالعات انجام‌شده در این زمینه حاکی از آن است که برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته، با وجود دستاوردهای بسیار، نتوانسته‌اند بهبود پایداری در شرایط دختران روستایی پدید آورند و به رفع محرومیت آنان از بسیاری از حقوق و خدماتی که در نقاط شهری برای دختران وجود دارد کمک کنند؛ به نحوی که از زنان و دختران روستایی به منزله مستضعف‌ترین اقشار جامعه بزرگ ایران یاد می‌شود [۸]. دسترسی به سیستم آموزشی و ادامه تحصیل یکی از چالش‌های پیش روی بسیاری از دختران در ایران به‌ویژه در مناطق روستایی است [۱۹].

موانع فرهنگی و این که دختران باید فاصله زیادی تا رسیدن به نزدیک‌ترین مدرسه طی کنند، سبب شده تا بسیاری از آنان از دسترسی به آموزش راهنمایی باز بمانند. چالش‌های دیگری که دختران در جوامع روستایی با آن مواجه‌اند، شامل فقدان مشارکت گسترده، فقدان دسترسی به اطلاعات، دانش و منابع، خشونت خانگی، پایین بودن پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان، و سطح پایین مشارکت در برنامه‌های توسعه‌ای است [۶]. در طول سال‌های اخیر، تحولات جمعیتی و اجتماعی در روستاهای ایران مسئله اجتماعی کاهش شانس ازدواج برای دختران روستایی را به یک چالش اساسی تبدیل کرده است. یکی از دلایل این دگرگونی، تغییرات مربوط به ساخت و حرکات جمعیت در جامعه روستایی ایران است. تغییر الگوهای همسرگزینی در کنار پدیده مهاجرت گسترده مردان جوان به شهرها و برهم خوردن نسبت جنسی در روستاها، موجب کاهش شانس ازدواج دختران شده است [۱۷]، اما این خلأ همراه با ننگ‌های ناشی از عدم ازدواج و خطر پیوستن به خیل مجردان قطعی در جوامع سنتی و بسته‌تر

روستایی، این معضل را از اهمیت بیشتری برخوردار می‌کند. در حالی که در محیط شهری تأخیر در سن ازدواج پذیرفته شده و فرصت‌های بیشتری برای بلوغ فکری و عاطفی، تحصیل، کار و گذران اوقات فراغت— از تماشای تلویزیون گرفته تا ورزش، پارک، خیابان، و اینترنت— و سهل‌گیری اجتماعی بیشتر در مناسبات اجتماعی و تنوع حضور در مراکز خرید، و... به دختران داده است، اغلب این فرصت‌ها در اختیار دختران جوان روستایی ایران نیست یا اینکه صرفاً برای تعداد اندکی مهیاست [۱۹]. بنابراین دختران روستایی، در کنار همه محرومیت‌های اجتماعی، به دلیل ازدواج نکردن در معرض طرد اجتماعی ناشی از مجرد قطعی یا پیردختر بودن قرار گرفته‌اند. نگاه‌ها و حرف‌های طعنه‌آمیز و تحقیرآمیز، ترحم دیگران، گسترش شایعات، تبعیض، وابستگی، شرمساری، سرزنش، احساس تنهایی، ترس، انتظار، رنج، بیماری جسمی، افسردگی، و نگرانی از آینده برخی از پیامدهای وضعیت فوق است که دختران روستایی با آن مواجه‌اند [۱۴]. از دیگر مسائل و مشکلاتی که دختران روستایی با آن مواجه‌اند، بیکاری، نبود خانه بهداشت، ازدواج اجباری، نبود کلاس‌های آموزش خیاطی، قالی‌بافی، و... فقر مالی خانواده، و کمبود امکانات است [۱۹].

در خصوص فقر، مسائل و مشکلات زنان و دختران روستایی تحقیقاتی در داخل و خارج کشور صورت گرفته است که به ارائه برخی از نتایج این تحقیقات پرداخته می‌شود. شادی‌طلب و همکاران، در تحقیق خود در چارچوب مفهومی فقر و توانمندسازی، به بررسی فقر در بین زنان شهر اراک پرداختند. نتایج تحقیق ایشان نشان داد که زنان به خاطر زن‌بودن بیشتر در معرض فقر قرار دارند. فقر زنان فقط جنبه اقتصادی ندارد و جنبه‌های روانی و اجتماعی فقر زنان نیز مهم است [۷]. صفری شالی، مشکلات مهم زنان و دختران روستایی را موانع آموزشی (هزینه و تعصبات)، موانع فرهنگی و اجتماعی، و موانع ساختاری می‌داند که باعث پایین آمدن میزان حضور و مشارکت زنان می‌شود [۱۱]. فیروزآبادی و صادقی در پژوهش خود به بررسی طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که طرد و محرومیت اجتماعی زنان به موقعیت کنونی آن‌ها بر نمی‌گردد، بلکه به گونه فرایندی، با پیشینه و گذشته آن‌ها، با ویژگی فردی آن‌ها، ساختار خویشاوندی، فقر مزمن و بین‌نسلی آن‌ها و با برخی وقایع خاص در ارتباط است [۱۷]. کارلوت^۱ بر این اعتقاد است که مشکلات زنان صرفاً شامل محرومیت اقتصادی از قبیل کمبود درآمد نیست. بلکه عوامل دیگری از قبیل فقدان عزت نفس و استقلال را نیز در برمی‌گیرد [۲۳]. در پژوهش کیانگ^۲ و همکاران سعی شده است به بررسی نابرابری جنسیتی و فقر در مدارس روستایی چین پرداخته شود. در این پژوهش، آمده است که نرخ ترک تحصیل در میان دختران روستایی بیشتر است. آن‌ها معتقدند که سه دلیل

1. Asante & Charlotte
2. Qiang

وجود دارد که دختران روستایی از احساس فقر و محرومیت بیشتری رنج می‌برند [۲۵]. با تأمل بر مطالب ذکر شده فوق به‌راحتی می‌توان دریافت که دختران روستایی از جمله اقشاری‌اند که در جامعه نسبتاً نادیده گرفته می‌شوند و همین امر موجب رویارویی آن‌ها با مسائل و مشکلات فراوان شده است. پژوهش حاضر با در نظر داشتن این واقعیت در راستای بررسی چالش‌ها و مشکلات دختران در جوامع روستایی (مطالعه موردی: دهستان ماهیدشت شهرستان کرمانشاه) انجام گرفته است. در این زمینه، اهداف پژوهش عبارت‌اند از:

- شناسایی مسائل و مشکلات دختران روستایی؛
- طبقه‌بندی مسائل و مشکلات دختران روستایی براساس تحلیل عاملی اکتشافی.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی، از لحاظ هدف کاربردی، و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها میدانی به‌شمار می‌رود. جامعه مطالعه شده در این پژوهش را دختران (۱۳-۳۵ ساله) دهستان ماهیدشت شهرستان کرمانشاه در سال ۱۳۹۳ تشکیل دادند ($N=360$). سپس، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، تعداد ۱۳۲ نفر از دختران روستایی انتخاب و با روش انتساب متناسب در میان ده روستای این دهستان توزیع شدند. ابزار اصلی مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای بود که با بررسی مبانی نظری و مرور مطالعات مرتبط طراحی شد. پس از انجام‌دادن اصلاحات و بهره‌مندی از نظر متخصصان، درنهایت، استادان گروه ترویج و توسعه روستایی دانشگاه رازی روایی پرسشنامه را تأیید کردند. به منظور برآورد پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن ۰/۷ به‌دست آمد. این موضوع، بیانگر پایایی مناسب ابزار تحقیق بود. درنهایت، پرسشنامه تأییدشده در اختیار دختران روستایی قرار گرفت. داده‌ها، پس از گردآوری، وارد نرم‌افزار Spss شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

براساس یافته‌های توصیفی این پژوهش، میانگین سنی افراد مطالعه‌شده ۲۰ سال بود که در رده سنی ۱۳ تا ۳۵ سال قرار داشتند. همان‌گونه که از داده‌های جدول ۱ پیداست، اکثر پاسخگویان در رده سنی ۱۵-۱۹ سال قرار داشتند (۴۳/۲ درصد) و دارای مدرک تحصیلی راهنمایی بودند (۳۴/۱ درصد) و تعداد کمی از آن‌ها سطح تحصیلات بالاتر از دیپلم داشتند (۱۰/۱ درصد). همچنین، بیشتر دختران روستایی در خانوارهایی زندگی می‌کردند که دارای دو تا سه فرزند بودند (۵۷/۵۷ درصد) و فقط ۱/۵ درصد آنان تک‌فرزند بودند.

جدول ۱. توزیع فراوانی دختران روستایی برحسب ویژگی‌های فردی

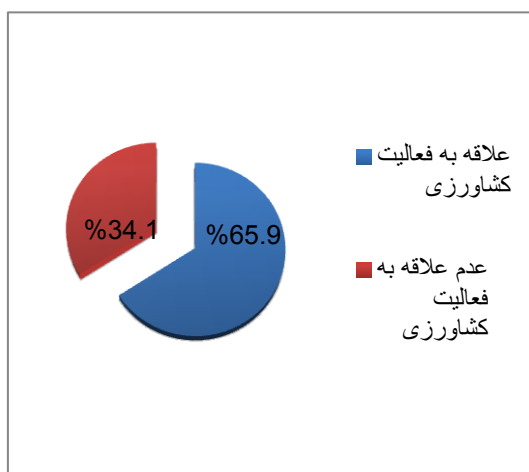
ویژگی‌های فردی		فراوانی	درصد	درصد تجمعی
گروه سنی	کمتر از ۱۵ سال	۲۷	۲۰٫۵	۲۰٫۵
	۱۵-۱۹ سال	۵۷	۴۳٫۲	۶۳٫۶
	۱۹-۲۳ سال	۲۴	۱۸٫۲	۸۱٫۸
	بیشتر از ۲۳ سال	۲۴	۱۸٫۲	۱۰۰
	جمع کل	۱۳۲	۱۰۰	...
سطح تحصیلات	ابتدایی	۲۹	۲۲	۲۲
	راهنمایی	۴۵	۳۴٫۱	۵۶٫۱
	دبیرستان	۴۴	۳۳٫۳	۸۹٫۴
	دیپلم و بالاتر	۱۴	۱۰٫۶	۱۰۰
	جمع کل	۱۳۲	۱۰۰	...
تعداد فرزندان خانواده	فقط یک فرزند	۲	۱٫۵	۱٫۵
	۲-۳ فرزند	۷۶	۵۷٫۵۷	۵۹٫۰۷
	۳-۵ فرزند	۲۸	۲۱٫۲۱	۸۰٫۲۷
	بیشتر از پنج فرزند	۲۶	۱۹٫۷	۱۰۰
	جمع کل	۱۳۲	۱۰۰	...

براساس داده‌های جدول ۲، میزان ارتباط جامعه بررسی شده با شهر متوسط بود. این درحالی است که روستاهای این منطقه با شهر فاصله زیادی نداشت. این موضوع مؤید آن است که دختران روستایی در برقراری ارتباط و رفت‌وآمد با شهر محدودیت داشتند.

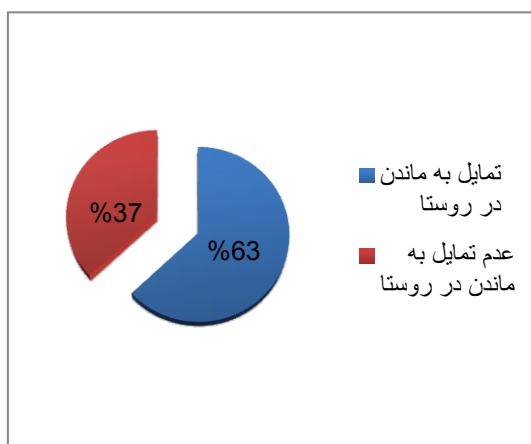
جدول ۲. توزیع فراوانی دختران روستایی برحسب میزان ارتباط با شهر

میزان ارتباط با شهر	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی کم	۲۴	۱۸٫۲	۱۸٫۲
کم	۵	۳٫۸	۲۲
متوسط	۴۲	۳۱٫۷	۵۳
زیاد	۳۴	۲۵٫۸	۷۹٫۵
خیلی زیاد	۲۷	۲۰٫۵	۱۰۰
جمع کل	۱۳۲	۱۰۰	...

به‌علاوه، براساس اطلاعات به‌دست‌آمده، ۶۵٫۹ درصد دختران روستایی تمایلی به انجام دادن فعالیت‌های کشاورزی نداشتند. این در حالی است که ۶۳ درصد از دختران روستایی به محل زندگی خود علاقه داشتند و ۳۷ درصد آن‌ها تمایلی به ماندن در روستا نداشتند و زندگی در شهر را به روستا ترجیح می‌دادند. این بدان معناست که یکی از مشکلات آشکار دختران روستایی انجام دادن فعالیت کشاورزی به‌صورت تحمیلی است، زیرا احتمالاً فعالیت‌های کشاورزی برای آن‌ها طاقت‌فرساست.



شکل ۱. علاقه به انجام‌دادن فعالیت کشاورزی



شکل ۲. تمایل به ماندن در محیط روستا

جهت اولویت‌بندی مسائل و مشکلات دختران روستایی جامعه مطالعه‌شده، از ضریب تغییرات استفاده شد که مقادیر آن در جدول ۳ آمده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بی‌توجهی خانواده به نظر دختران، در امور مربوط به خود و خانواده، در اولویت اول قرار گرفت. این بدان معناست که بزرگ‌ترین مشکلی که دختران روستایی جامعه مطالعه‌شده با آن درگیر بودند، این متغیر است. همچنین، مخالفت خانواده‌ها با ازدواج در اولویت آخر قرار گرفت.

جدول ۳. اولویت‌بندی مشکلات دختران روستایی

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	مشکلات دختران روستایی
۱	۰٫۳۲۳	۱٫۲۳	۳٫۸۰	بی‌توجهی خانواده به نظر دختران در امور مربوط به خود و خانواده
۲	۰٫۳۵۸	۱٫۲۸	۳٫۵۷	بی‌توجهی خانواده روستایی به نیازهای مالی دختران خود
۳	۰٫۳۸۶	۱٫۴۱	۳٫۶۵	نبود رابطه‌ای صمیمی و نزدیک دختران با سایر اعضای خانواده
۴	۰٫۳۹۸	۱٫۴۰	۳٫۵۱	اجبار خانواده‌های روستایی به تبعیت دختران از آداب و رسوم سنتی
۵	۰٫۴۱۲	۱٫۲۷	۳٫۰۸	بی‌توجهی خانواده و جامعه به ظرفیت و توانایی‌های دختران روستایی
۶	۰٫۴۱۳	۱٫۳۳	۳٫۲۲	بی‌توجهی خانواده‌ها به نیازهای عاطفی، روحی و روانی دختران
۷	۰٫۴۲۵	۱٫۳۲	۳٫۱۰	مخالفت خانواده‌ها با ادامه تحصیل دختران
۸	۰٫۴۳۲	۱٫۳۲	۳٫۰۵	بی‌توجهی خانواده و جوامع روستایی به معیار دختران برای ازدواج
۹	۰٫۴۶۱	۱٫۴۲	۳٫۰۸	بی‌توجهی خانواده به مسائل بهداشتی مربوط به دختران
۱۰	۰٫۴۶۳	۱٫۴۰	۳٫۰۲	ناآگاهی دختران روستایی از حقوق اجتماعی و خانوادگی خود
۱۱	۰٫۴۶۷	۱٫۵۴	۳٫۳۰	نبود آزادی عمل و آزادی بیان در خانواده
۱۲	۰٫۴۹۷	۱٫۱۰	۲٫۲۱	دسترسی‌نداشتن دختران روستایی به امکانات رفاهی مناسب
۱۳	۰٫۵۱۹	۱٫۴۴	۲٫۷۷	مشغله‌های کاری فراوان دختران در خانه و مزرعه (کشاورزی، دامداری، امور منزل، ...)
۱۴	۰٫۵۳۲	۰٫۸۹	۱٫۶۷	اقدام خانواده‌ها به اذیت و آزار روانی و فیزیکی دختران روستایی
۱۵	۰٫۵۷۴	۱٫۱۲	۱٫۹۵	دسترسی‌نداشتن به مراکز و اماکن تفریحی و ورزشی مناسب برای دختران در محیط روستا
۱۶	۰٫۵۸۲	۱٫۰۶	۱٫۸۲	دسترسی‌نداشتن دختران روستایی به منابع اطلاعاتی و مراجع آموزشی (کتاب‌های کمک‌درسی)
۱۷	۰٫۵۸۳	۱٫۰۵	۱٫۸۰	وجود احساس حقارت و کوچک شمرده شدن در خانواده و جوامع روستایی
۱۸	۰٫۶۲۱	۰٫۹۲	۱٫۴۸	وجود احساس ناامنی در میان دختران روستایی جهت اقدام به فعالیت‌ها و سرگرمی‌های مرتبط با سن خود
۱۹	۰٫۶۲۹	۰٫۹۷	۱٫۵۴	اجبار خانواده‌ها به ازدواج دختران با افراد مورد نظر خود (ازدواج تحمیلی، ازدواج فامیلی، ...)
۲۰	۰٫۶۵۱	۱٫۷۰	۲٫۶۱	مخالفت خانواده‌ها با کار و فعالیت دختران در محیط‌های اجتماعی
۲۱	۰٫۶۵۷	۱٫۵۹	۲٫۴۲	نبود امکانات آموزشی در روستا برای ادامه تحصیل دختران روستایی در مقاطع بالاتر (راهنمایی و دبیرستان)

۲۲	۰٫۶۶۴	۱٫۰۱	۱٫۵۲	کمبود فرصت اشتغال و کارآفرینی برای دختران روستایی
۲۳	۰٫۶۸۳	۱٫۵۱	۲٫۲۱	اصرار خانواده به ازدواج پیش از موعد دختران روستایی
۲۴	۰٫۷۰۲	۱٫۳۲	۱٫۸۸	فقر آموزشی دختران روستایی در زمینه آموزش‌های عمومی، فنی و حرفه‌ای (خیاطی، کلاس قرآن، آرایشگری)
۲۵	۰٫۷۳۴	۱٫۵۵	۲٫۱۱	کاهش فرصت‌های ازدواج برای دختران در محیط روستا (افزایش سن ازدواج)

۱. خیلی کم؛ ۲. کم؛ ۳. متوسط؛ ۴. زیاد؛ ۵. خیلی زیاد. منبع: یافته‌های تحقیق

به‌منظور کسب اطمینان از مناسب بودن داده‌های گردآوری‌شده، از آزمون بارتلت و ضریب KMO استفاده شد. مقدار ضریب $KMO = ۰٫۶۸$ و آماره بارتلت $= ۱٫۴۹۸$ به‌دست آمد که در سطح ۱ درصد معنادار شده و بیانگر مناسب بودن داده‌ها جهت انجام‌دادن تحلیل عاملی بود. مطابق یافته‌های حاصل از جدول ۴، عامل آسیب‌های روانی ۱۶٫۲۵۵ درصد از واریانس مشکلات دختران روستایی را به خود اختصاص داده و با مقدار ویژه ۴٫۳۸۹، اولین دسته از مشکلات دختران روستایی است. همچنین نتایج نشان داد عامل فقر آموزشی- رفاهی، آسیب‌های اجتماعی، فقر اقتصادی- بهداشتی، و چالش‌های فراروی ازدواج، به ترتیب با اختصاص ۱۵٫۰۸، ۱۲٫۶۴، ۱۰٫۸۳ و ۱۰٫۷۲ درصد از واریانس متغیرها، مشکلات دوم تا پنجم دختران روستایی بودند. شایان ذکر است، این پنج عامل، در مجموع، ۶۵٫۵۳۶ درصد از مشکلات دختران روستایی را تشکیل دادند.

جدول ۴. خلاصه تحلیل عاملی مشکلات و مسائل دختران روستایی

عامل	مقادیر ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد واریانس تجمعی
آسیب‌های روانی	۴٫۳۸۹	۱۶٫۲۵۵	۱۶٫۲۵۵
فقر آموزشی- رفاهی	۴٫۰۷۲	۱۵٫۰۸۰	۳۱٫۳۳۴
آسیب‌های اجتماعی	۳٫۴۱۴	۱۲٫۶۴۴	۴۳٫۹۷۹
فقر اقتصادی- بهداشتی	۲٫۹۲۵	۱۰٫۸۳۴	۵۴٫۸۱۲
چالش‌های فراروی ازدواج	۲٫۸۹۵	۱۰٫۷۲۴	۶۵٫۵۳۶

به‌منظور جداسازی عامل‌ها به صورت روشن‌تر از چرخش عاملی به روش واریماکس استفاده شده است که بار عاملی هر متغیر پس از چرخش عاملی در جدول ۵ آمده است. براساس داده‌های مربوط به این جدول، بار عاملی که بیانگر همبستگی بین متغیر اصلی و عامل‌های مربوط به آن است در همه عامل‌های این جدول بالای ۰٫۵ شده که بیانگر معناداری بالای بارهای عاملی هستند.

جدول ۵. خلاصه تحلیل عاملی چرخش یافته مشکلات دختران روستایی به همراه عامل‌های تشکیل دهنده آنها

عامل	متغیرها	بارعاملی
آسیب‌های روانی	بی‌توجهی خانواده به نظر دختران در امور مربوط به خود و خانواده	۰٫۷۳۵
	نبود آزادی عمل و آزادی بیان در خانواده	۰٫۷۶۷
	ناآگاهی دختران روستایی از حقوق اجتماعی و خانوادگی خود	۰٫۶۸۴
	نبود رابطه‌ای صمیمی و نزدیک دختران با سایر اعضای خانواده	۰٫۵۱۹
	وجود احساس ناامنی در میان دختران روستایی جهت اقدام به فعالیت‌ها و سرگرمی‌های مرتبط با سن خود	۰٫۸۶۸
	بی‌توجهی خانواده‌ها به نیازهای عاطفی، روحی و روانی دختران	۰٫۵۷۹
	اقدام خانواده‌ها به اذیت و آزار روانی و فیزیکی دختران روستایی	۰٫۵۳
	اجبار خانواده‌های روستایی به تبعیت دختران از آداب و رسوم سنتی	۰٫۶۰۶
فقر آموزشی-رفاهی	دسترسی نداشتن به امکانات رفاهی مناسب	۰٫۵۴۷
	دسترسی نداشتن دختران روستایی به منابع اطلاعاتی و مراجع آموزشی (کتاب‌های کمک‌درسی)	۰٫۵۳۸
	دسترسی نداشتن به مراکز و اماکن تفریحی و ورزشی مناسب برای دختران	۰٫۷۰۷
	فقر آموزشی دختران روستایی در زمینه آموزش‌های عمومی، فنی و حرفه‌ای (خیاطی، کلاس قرآن، آرایشگری)	۰٫۷۷۲
آسیب‌های اجتماعی	مخالفت خانواده‌ها با ادامه تحصیل دختران	۰٫۶۴۹
	نبود امکانات آموزشی در روستا برای ادامه تحصیل دختران روستایی در مقاطع بالاتر (راهنمایی و دبیرستان)	۰٫۶۴۹
	کمبود فرصت اشتغال و کارآفرینی برای دختران روستایی	۰٫۸۰۶
	مشغله‌های کاری فراوان دختران در خانه و مزرعه (کشاورزی، دامداری، امور منزل و...)	۰٫۸۰۶
	مخالفت خانواده‌ها با کار و فعالیت دختران در محیط‌های اجتماعی	۰٫۵۱۴
	وجود احساس حقارت و کوچک شمرده شدن در خانواده و جوامع روستایی	۰٫۶۰
	بی‌توجهی خانواده و جامعه به ظرفیت و توانایی‌های دختران روستایی	۰٫۵
فقر اقتصادی-بهداشتی	بی‌توجهی خانواده روستایی به نیازهای مالی دختران خود	۰٫۶۲۹
	بی‌توجهی خانواده به مسائل بهداشتی مربوط به دختران	۰٫۷۱۵
چالش‌های فراروی ازدواج	اصرار خانواده به ازدواج پیش از موعد دختران روستایی	۰٫۷۲۷
	کاهش فرصت‌های ازدواج برای دختران در محیط روستا (افزایش سن ازدواج)	۰٫۶۵۱
	بی‌توجهی خانواده و جوامع روستایی به معیار دختران برای ازدواج	۰٫۷۵۵

یکی از اهداف تحلیل عاملی، شناسایی روابط بین متغیرهای جدید یا عامل‌ها با سایر متغیرهاست که در ادامه این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است. همان‌گونه که از داده‌های جدول ۶ پیداست، بعضی از متغیرهای مستقل تحقیق ارتباط معناداری با مشکلات پنج‌گانه داشتند. برای نمونه، میان عامل آسیب‌های روانی با تعداد فرزندان خانواده ارتباط منفی و معناداری وجود دارد ($r = -0.16$ و $sig = 0.000$). با این معنا که هرچه تعداد فرزندان خانوار روستایی کمتر باشد، این دسته از مشکلات دختران روستایی کاهش می‌یابد. میان فقر آموزشی-رفاهی با سطح تحصیلات دختران روستایی، ارتباط مثبت و معناداری در سطح یک‌درصد برقرار است. این امر شاید بدان علت باشد که با افزایش سطح تحصیلات دختران روستایی میزان ارتباط آنان با محیط‌های اجتماعی بزرگ‌تر، مانند شهرها، بیشتر شده و تا حدودی از محدودیت‌های مربوط به دسترسی نداشتن آنان به این امکانات کاسته می‌شود. سایر نتایج در جدول ۶ مشخص است.

جدول ۶. میزان همبستگی متغیرهای تحقیق با عامل‌های پنج‌گانه (مشکلات دختران روستایی)

عامل	متغیر مستقل	ضریب همبستگی "r"	سطح معناداری	همبستگی
آسیب‌های روانی	تعداد فرزندان خانواده	-0.16^*	0.000	پیرسون
فقر آموزشی-رفاهی	سطح سواد دختران	-0.215^{**}	0.000	اسپیرمن
آسیب‌های اجتماعی	سن دختران	-0.282^{**}	0.01	پیرسون
	تعداد فرزندان خانواده	-0.247^{**}	0.004	پیرسون
	سطح سواد دختران	-0.235^{**}	0.007	اسپیرمن
فقر اقتصادی-بهداشتی	سن دختران	0.205^{**}	0.03	پیرسون
	سطح سواد دختران	-0.322^{**}	0.000	اسپیرمن
چالش فراروی ازدواج	تعداد فرزند خانواده	0.184^*	0.035	پیرسون
	سن دختران	0.225^{**}	0.009	پیرسون
	سطح سواد دختران	-0.456^{**}	0.000	اسپیرمن

بحث، نتیجه‌گیری، و پیشنهادها

برای دستیابی به رشد و توسعه بلندمدت در میان جوامع روستایی، پرداختن به مسائل دختران و زنان جوان روستایی ضرورتی انکارناپذیر است. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل مسائل و مشکلات دختران در جوامع روستایی صورت گرفت. نتایج پژوهش نشان داد بی‌توجهی خانواده به نظر دختران در امور مربوط به خود و خانواده، بی‌توجهی خانواده روستایی به نیازهای مالی دختران خود، نبود رابطه صمیمی و نزدیک دختران با سایر اعضای خانواده و اجبار خانواده‌های روستایی به تبعیت دختران از آداب و رسوم سنتی به ترتیب مهم‌ترین مشکلات دختران در جامعه مطالعه‌شده بودند. به نظر می‌رسد این مشکلات برای دختران در

اکثر یا حتی همه روستاهای کشور وجود دارد. هرچند شاید نتوان همه این مسائل را به طور کامل از میان برد، می توان با اقدام ریشه‌ای و زمینه‌ای تا حدود زیاد از میزان آن‌ها کاست. در ادامه، نتایج حاصل از تحلیل عاملی نشان داد آسیب‌های روانی، فقر آموزشی-رفاهی، آسیب‌های اجتماعی، فقر اقتصادی-بهداشتی، و چالش‌های فراروی ازدواج، ۶۵/۵۳۶ درصد مشکلات دختران روستایی دهستان ماهیدشت را به خود اختصاص می‌دهد. همان‌گونه که پیداست، بیشتر این مشکلات در رده مشکلات فرهنگی-اجتماعی قرار می‌گیرد که با یافته‌های تحقیق خانی و احمدی (۱۳۸۸) و افشارکهن (۱۳۸۸) نیز مطابقت دارد. به علاوه، ۱۰/۸۳۴ درصد از مشکلات دختران روستایی مربوط به مشکلات مالی و بهداشتی دختران در خانواده به دست آمد که این نتیجه با نتایج مطالعه نقدی و بلالی (۱۳۸۹) مطابقت دارد. آنان نبود خانه بهداشت را یکی از مشکلات مهم دختران روستایی دانستند.

در گفت‌وگوهای غیررسمی، که در طول پژوهش با دختران روستایی مطالعه شده صورت گرفت، بنا به اظهار خود این دختران، دلیل اصرار خانواده به ازدواج پیش از موعد آنان یا اجبار خانواده‌ها به ازدواج دختران با افراد مورد نظر خود، وضعیت نامطلوب دختران روستایی مجرد (۳۰ سال به بالا) و مشاهده رفتارهای طعنه‌آمیز یا طردکننده در جوامع محلی نسبت به آنان و نگرانی والدین از حرف مردم و انگ اجتماعی ناشی از پیردختر بودن است؛ به نحوی که در جوامع کوچک محلی این قبیل دختران انگشت‌نما و از آنان برای عبرت سایر دختران نوجوان یاد می‌شود. این مسئله با کاهش شانس ازدواج برای دختران روستایی، وضعیت بفرنج‌تری را ایجاد کرده است. بر این اساس، والدین ترجیح می‌دهند در اولین فرصت ازدواج، دختران خود را وادار به ازدواج کنند. ضمیری (۱۳۸۲) نیز در مطالعه خود، ترس از فقدان خواستگار در آینده، ترس از افزایش سن و کاهش فرصت ازدواج، رهایی از تحقیرهای اجتماعی و برچسب‌های اطرافیان را از علل پاره‌ای از ازدواج‌های تحمیلی عنوان کرده است [۸].

نتایج حاصل از همبستگی نشان داد میان بعضی از متغیرهای مستقل و مشکلات پنج‌گانه ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. برای نمونه، میان سطح تحصیلات با چهار دسته از مشکلات دختران روستایی جامعه مطالعه شده ارتباط معناداری وجود دارد. به گونه‌ای که با افزایش سطح سواد دختران، این مشکلات کاهش می‌یابد. این مشکلات عبارت‌اند از: دسترسی نداشتن دختران روستایی به زیرساخت‌های آموزشی-رفاهی مناسب، عدم اجازه و امکان بروز رشد و شکوفایی اجتماعی دختران روستایی در جوامع آن‌ها، مشکلات مالی و بهداشتی دختران روستایی در خانواده و چالش‌های پیش روی دختران روستایی در مسائل مربوط به ازدواج. به عبارت دیگر، عدم برخورداری از امکانات تحصیل، بافت ویژه فرهنگی-اجتماعی حاکم بر روستاها و تراکم کاری دختران روستایی از عوامل مهمی است که باعث شده دختران روستایی از سطح تحصیلات پایین‌تری برخوردار باشند. این مسئله نیز به نوبه خود

سبب شده است که دختران روستایی آگاهی و شناخت کمتری از حقوق خود داشته باشند و این آگاهی نداشتن باعث متضرر شدن آنان در زمینه‌های مختلف شده است. بنابراین، می‌توان از طریق سواد و آموزش‌های مختلف به دختران روستایی باعث ارتقای سطح آگاهی و شناخت از حقوق و وظایف آنان به‌منزله یکی از معیارهای اساسی برای ارتقای انتظارات و خواسته‌های آنان در مناطق روستایی شد و آن‌ها را به سوی نوآوری و روش‌های تولیدی و استفاده هرچه بیشتر و بهتر از امکانات سوق داد؛ به گونه‌ای که بتوانند تأمین‌کننده بخشی از اهداف توسعه روستایی باشند [۲]. اعلامیه سازمان ملل (۲۰۰۰) نیز ارتقای برابری جنسیتی، توانمندسازی زنان برای مبارزه با فقر، گرسنگی، و بیماری را در گرو دسترسی زنان به آموزش می‌داند. اما، با این‌همه، بسیاری از زنان و دختران روستایی از تحصیل محروم‌اند. به‌طور کلی، یکی از مشکلات دختران روستایی در تحقیق حاضر، مسائل مربوط به تحصیل و اشتغال است. طالبی‌فر (۱۳۸۲) نیز در مطالعه خود یکی از مهم‌ترین مشکلات زنان و دختران روستایی را مسائل مربوط به تحصیل و اشتغال آنان می‌داند [۱۰]. به‌علاوه، یافته‌های پژوهش آنان حاکی از آن است که علاقه دختران به اشتغال ریشه در مشکلات اقتصادی آن‌ها دارد. به‌طوری‌که، میل به اشتغال با نیاز خانوار به مسائل مالی افزایش می‌یابد. درنهایت، می‌توان گفت اکثر دختران روستایی دهستان ماهیدشت، با وجود همه محدودیت‌ها، علاقه آشکاری به محیط زندگی خود داشتند (۶۳ درصد) و اگر مشکلات موجود بر سر راه زندگی آنان در روستا برطرف شود، مهاجرت و پیامدهای ناشی از آن برای روستاییان صورت نخواهد گرفت.

در ادامه، پیشنهادهای پژوهش ارائه می‌شود:

- با توجه به محدودیت دختران روستایی در دستیابی به امکانات و خدمات رفاهی اماکنی مانند: باشگاه ورزشی، کتابخانه‌های سیار و ثابت، مراکز تفریحی، و... جهت بهره‌مندی دختران روستایی احداث شود؛
- دولت متناسب با شرایط دختران روستایی به تولید مواد آموزشی و کمک‌آموزشی اقدام کند و آن‌ها را به صورت مناسب در اختیار گروه هدف قرار دهد؛
- برای برطرف کردن مشکلات ارتباطی خانوارها با دختران روستایی و تقویت اعتماد به نفس و روحیه دختران روستایی جهت احقاق حقوق خود در محیط خانواده و روستا مراکز مشاوره در محیط روستا ایجاد شود؛
- کمک‌های مؤثر و کارآمد و شرایط به‌روز کارآفرینی و خوداشتغالی در میان دختران جوان روستایی فراهم شود؛ مانند: پرداخت وام‌های هدفمند؛
- اقدامات فرهنگی و ریشه‌ای جهت مرتفع کردن مشکلات اجتماعی و فرهنگی دختران روستایی صورت پذیرد؛ مانند: برگزاری کلاس‌های ترویجی مداوم به منظور آگاه‌سازی والدین دختران روستایی در برخورد با دختران خود؛

- از آنجاکه اکثر جامعه مطالعه شده دارای سطح سواد پایینی بودند، کلاس‌های سوادآموزی مختص دختران بازمانده از تحصیل برگزار شود؛
- ابتدا، نیازسنجی آموزشی جهت تشکیل کلاس‌های فنی و حرفه‌ای مورد تقاضای دختران روستایی صورت پذیرد، سپس به تأسیس این کلاس‌ها با کمک سازمان فنی و حرفه‌ای کشور اقدام شود.

منابع

- [۱] آل آقا، فریده (۱۳۸۵). «شناسایی مشاغل درآمدزا برای زنان روستایی و تعیین نیازهای آموزشی و مهارت‌های متناسب با آن»، پژوهش زنان، ش ۱۱، ص ۱۴۷-۱۶۹.
- [۲] ابتکار، تقی (۱۳۷۱). «معرفی آموزش‌های علمی کاربردی در ایران»، مجله شریف، س اول، ش ۲، ص ۲۲.
- [۳] افشارکهن، جواد (۱۳۸۸). «گونه‌شناسی مسائل اجتماعی جوانان ایران با تأکید بر دختران روستایی»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، س ۱۱، ش ۴۴، صص ۱۱۱-۱۴۴.
- [۴] ثابت‌قدم، شهین (۱۳۹۱). «نقش و جایگاه زنان در توسعه روستایی»، ماهنامه فرزانه، اردیبهشت ۱۳۹۱، ش ۲ و ۳.
- [۵] خانی، فضیله؛ احمدی، منیژه (۱۳۸۸). «تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی-اجتماعی در مناطق روستایی»، پژوهش زنان، دوره ۷، ش ۴.
- [۶] سعدی، حشمت‌اله؛ لطیفی، سمیه؛ ودادی، الهام (۱۳۹۱). «بررسی مشکلات و مسائل دختران روستایی در استان همدان»، فصلنامه روستا و توسعه، س ۱۵، ش ۱، صص ۱۵۳-۱۷۶.
- [۷] شادی‌طلب، ژاله؛ وهابی، معصومه؛ ورمزیار، حسن (۱۳۸۴). «فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار»، فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۴، ش ۱۷.
- [۸] شهبازی، اسماعیل (۱۳۷۲). «توسعه و ترویج روستایی». انتشارات دانشگاه تهران.
- [۹] ضمیری، محمدرضا (۱۳۸۲). «دختران و ازدواج تحمیلی»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، س ۷، ش ۲۴، صص ۳۰-۶۷.
- [۱۰] صالح‌نسب، غلام‌حسین (۱۳۷۸). «نقش زنان در توسعه کشاورزی»، سازمان فائو، مجله جهاد، ش ۳.
- [۱۱] صفری شالی، ر. (۱۳۸۰). نقش توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان در توسعه پایدار روستایی، مجموعه مقالات همایش اعتبارات خرد زنان روستایی و عشایر: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد کشاورزی، صص ۱۱۳-۱۳۸.
- [۱۲] طالبی‌فر، محمدرضا (۱۳۸۲). «بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان

- (مورد مطالعه: شهرستان قائنات)، پایان‌نامه کارشناسی/ارشد جامعه‌شناسی، اصفهان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- [۱۳] عباس‌زاده، محمد؛ بوداقتی، علی؛ اقدسی علمداری، فرانک (۱۳۹۰). «توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر راهکارهای بومی»، همایش ملی توانمندسازی با رویکرد جهاد اقتصادی در کمیته امداد امام خمینی^(۵)، خرداد ماه، تهران.
- [۱۴] غفاری، غلامرضا؛ تاج‌الدین، محمدباقر (۱۳۸۴). «شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۴، ش ۱۷، ص ۱-۲۷.
- [۱۵] عبدالمهدی، محمد (۱۳۸۶). مجموعه مقالات همایش ملی زنان و چالش‌های پیش رو، ج ۳، انتشارات برگ‌آذین به سفارش دانشگاه ایلام.
- [۱۶] فرضی‌زاده، زهرا (۱۳۹۳). «طرد اجتماعی دختران روستایی مجرد»، فصلنامه توسعه روستایی، دوره ۶، ش اول، ص ۱۲۳-۱۴۶.
- [۱۷] فیروزآبادی، سید احمد؛ صادقی، علیرضا (۱۳۸۹). «وضعیت طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی»، مجله بررسی مسائل اجتماعی، س اول، ش اول.
- [۱۸] گیدنز، آنتونی (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- [۱۹] لطیفی، سمیه؛ سعدی، حشمت‌الله، شعبانعلی فمی، حسین (۱۳۹۲). «تحلیل عاملی مشکلات زنان قالی‌باف روستایی»، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، س ۴، ش اول، ص ۲۹-۵۱.
- [۲۰] مجدالدین، اکبر (۱۳۸۶). «بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی»، پژوهشنامه علوم انسانی، س ۸، ش ۵۳، ص ۳۷۵-۳۸۶.
- [۲۱] میرک‌زاده، علی‌آبادی؛ و. شمس، ع. (۱۳۸۹). «واکاوی مانع‌های مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی»، فصلنامه روستا و توسعه، ش ۲، س ۱۳.
- [۲۲] نقدی، اسداله؛ بلالی، اسماعیل (۱۳۸۹). «مسئله اجتماعی خاموش و نامرئی: کاهش شانس ازدواج برای دختران روستایی (با تأکید بر یافته‌هایی از نقاط روستایی همدان)»، مجله توسعه روستایی، دوره دوم، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
- [23] Asante, Wrigley and Charlotte (2008). 'Men are poor but women are poorer: Gendered poverty and survival strategies in the Dangme West District of Ghana', Norwegian Journal of Geography.
- [24] International Fund for Agricultural Development (IFAD) (2011). 'Equality begins at home for rural girls and women' Available on: <http://www.ifad.org/media/events/2012/women.htm>. Retrieved at: 15/08/2011.
- [25] Qiang, Dong; Xiaoyun, Li; Hongping, Yang and Keyun, Zhang (2008). 'Gender Inequality in Rural Education and Poverty' Chinese Sociology & Anthropology.
- [26] Sen. A. (1885). Commodities and Capabilities. North Holland, Amsterdam.
- [27] Shaaban, Safaa (2011). 'A Conceptual Framework Review of Social Exclusion, and its Relation with Social Cohesion and Poverty in Europe'. *The*

- International Journal of Diversity in Organisations, Communities and Nations*, 11(1), pp 117-131.
- [28] Social Exclusion Unit (2008). 'Social Exclusion and Why It Matters In David Byrne'. *Social Exclusion; Critical Concept In Mobility Sociology* (333-347). Vol I Social Exclusion – the History and Use of a Concept.
- [29] Townson, M. (2009). 'Women's Poverty and recession'. Canadian center For Policy Alternative (CCPA). Available on: [http://www. Policy Alternatives.ca/publications/reports/womens Poverty and recession](http://www.PolicyAlternatives.ca/publications/reports/womens%20Poverty%20and%20recession). Retrieved at :20/11/2010.
- [30] UNDP (2011). 'Human development report 2011'. Available on: http://www.undp.org/content/en/home/librarypage/hdr/human_developmentreport2011.html. Retrieved at:10/10/2011.
- [31] UNFPA (2011). 'The state of world population 2011'. Available on: <http://foweb.unfpa.org/SWP2011/reports/EN-SWOP2011-FINAL.pdf>. Available on:06/02/2011.